

اجتماع از افرادی تشکیل یافته که ماهنگی خاصی از نظر زبان و ملیت و آئین در میان ایشان وجود دارد اجتماع زنده و شاداب اجتماعی است که تمام طبقات مختلف آن بکار و کوشش اشتغال داشته و مطابق وزنه اجتماعی هر یک باری را از دوش اجتماع بردارند اجتماع چنانکه بکارگر نیازمند است بدانستند نیز محتاج است اگر کسی عمده دار سلامت جسمی است همیشگی باید عده ای بهداشت روحی افراد را متکفل باشند و روحانیت اجتماع را حفظ کنند تا همه تراقص اجتماعی بر طرف گردد .

بخت و اقبال یا عامل تن پروری

مطابق این مقدمه تمام طبقات افراد اجتماع باید عهده دار کاری بوده ، با کمال صمیمیت و جدیت آنرا با انجام برسانند ولی متأسفانه با بیاعتراف کرد که در اجتماع ما با افراد زیادی برخورد میکنیم که در برابر بر خورداری از نعمت های اجتماعی بن بکار و کوشش نداده بزندگی انگلی خود گرفتارند . این نوع افراد همانند زالو بزندگی دیگران چسبیده و از محصول رنج و کوشش دیگران بر خورد دارند میباشند زیادهای این نوع بر دو قسم است یکی آفت های اجتماعی و دیگری زیان های فردی است انواع اول جنبه عمومی دارد یعنی ضروری است که متوجه و با تعالی و دستکمال ؛ جانپازی و فداکاری مینماید تمام نیروهای خود را متمرکز کرده و در تحصیل این حقیقت بکار انداخته است . ولی متأسفانه در چنین وضعی افراد بسیاری از اجتماع ما به تقلب و تساهل عادت کرده بهائس و اقبال روی آورده از کار و کوشش گریزانند شما بخوبی میدانید که در محیط زندگی ما یکسدم تشویق و تحسین که از یک نفر بر ندهد جایزه بعمل میآید از یک فرد دانشمند و بایک دانشجویی پر ارزش بعمل نمی آید همین سهل انگاری در **طایفه کار و کوشش و تشویق** در موضوع بخت و شانس باعث دلسردی افراد پر کار و فعال شده بر تعداد انگلهای اجتماع خواهد افزود .

دومین زیان این نوع زندگی آنست که افراد فعال در انجام مسئولیت های اجتماعی دلسرد میشوند چاره اش می بینند که عده ای بدون هیچ دلیل و عاملی از دست رنج و محصول کار آنان بهره مند شده و هیچ وظیفه ای را انجام نمیدهند ؛ طبیبان کار خود دلسرد شده بایی میلی و دلسردی بکار خود ادامه خواهند داد



طرحهای ارزنده اسلام در باره کار و کوشش

شاید هیچ آئینی مانند اسلام بکار و کوشش اهتمام نداشته است شخصیت دنیوی و اخروی مرد

راه و رسم زندگی

عبدالمجید رشید پور

انگلهای اجتماعی

زندگی انگلی ؟

بخت و اقبال یا عامل تن پروری ؟

طرحهای ارزنده اسلام در باره کار و کوشش

زندگی انگلی

در علم طبیعی بعضی مریوط با نورشناسی است و قشر حالات جسم و ابتکارات زندگی حیوانات را مطالعه می نمائیم در موردی از میزان فعالیت و کوشش برخی از حیوانات چهار شگفتی و حیرت میکردیم . و شایسته است که انسان شرفی موجودات برنامه زندگی و کار خود را از روشهای ارزنده آنان تأمین سازد در فصل دیگری هم برخی از حیوانات برخورد میکنند که تن آسانی و تنبلی آنان آدمی را بشوید و امیدواریم در این نوع جانوران چیزی که وجود خارجی ندارد همان کار و کوشش است و از همین روی این دسته را جزو حیوانات انگلی یاد آور میشوند . و این نوع از حیوانات در اثر خود گرفتن بزندگی انگلی دستنگاهها را که ممکن است مولد حرکت و فعالیت باشد از دست داده اند . و مستقیماً از محصولات محض شده دیگران بهره مند میکردند .



اجتماع و فرد

اجتماع در حقیقت همانند یک فرد زنده و سالم است ؛ در میان اعضا انسانان چه بزرگ و چه کوچک عضوی را نمیتوان پیدا کرد که بیکار بوده و بعضی از نیازهای عمومی آنرا بر طرف نسازد البته میزان و نوع فعالیت های هر یک با دیگری فرق دارد ولی در اصل کلی جنبش و حرکت همه با یکدیگر برابر و مساوی هستند .

مسلمان در گرو مجاهدات و فداکاری های او در امر دنیا و آخرت است کسیکه زندگی دنیوی خود را بر پایه ای استوار ننهد، باشد، معلوم نیست چنین کس در امر آخرت بموفقیتی برسد در سخنان پیشوایان دینی ما چنین وارد شده که: «نه جزه از عبادت پروردگار در تحصیل وسائل زندگی از راه حلال است»؛ در باره شناخت افراد برجسته و ممتاز میار؛ زیادی عبادت و پرستش خدای قرار داده نشده بلکه در موارد زیادی بزرگان دینی عامل امتیاز را نافع بودن بحال افراد اجتماع معرفی نموده اند.

از رسول اکرم (ص) پرسش شد که برترین بندگانی خدا کیانند؟ رسول اکرم (ص) فرمود: آنانکه نعمشان بمردم بیشتر عاید میگردد. **استل عن رسول الله (ص) عن افضل الناس فقال (ص) انفعهم للناس؛ (۱)** از پیشوایان دینی بعنوان گوناگونی از زندگی انکلی مذمت شده و بطرفی از آن جلوگیری شده است و ما برای روشن کردن از همان عمومی و اینکه اسلام از تن پروری سیراروری گردان است، به برخی از آنها اشاره می‌نمائیم: امام جعفر صادق علیه السلام مردم مؤمن را اینچنین توصیف میکند: شکوه و شرافت مردم مؤمن در بیداری و پرستش خدای در نیت مشرب و بی نیازی او از سایر مردم است. **عن ابی عبد الله (ع) شرف المؤمن قیام اللیل و عزه استغناؤه عن الناس؛ (۲)** در جای دیگر فرماید: حاجت خواستن از مردم باعث شرف من آبروست؛ و بی نیازی از مردم شرافت و شکوه مردم مؤمن است. **عن ابی عبد الله (ع): طلب الحق اوجب الی الناس استلاب المعز و مذهبیه للحیاء والیاس مما فی ایدی الناس تنز للمؤمن؛ (۳)**

(۱) اصول کافی جلد دوم باب الاهتمام بالمرء المسلمین (۲) و (۳) اصول کافی باب الاستغناء عن الناس

تشریف بدین مقدس اسلام

این جانب علی اکبر عباسی و باطنی فرزند ابراهیم دارای شناسنامه شماره ۲۴۲ صادره از تربت حیدریه ساکن مشهد شغل خیاط که تا این زمان عمر خود را در گمراهی و ضلالت به پیروی از مرام ساختگی بهائیت گذرانیده ام بفضل خداوند متعال در اثر شرکت در یکی از جلسات تحریر حقیقت واقعی مسلمین؛ بمعارف حقه اسلامی و حقایق مذهب شیعه اتنی عشری که از من پوشیده شده بود واقف گشته و بدین حنیف اسلام مشرف و بخدا سبقت پیغمبر گرامی اسلام و بقا اهمیت و امامت اعلی حضرت حجه بن الحسن المهدی العسکری عجل له تعالی فرجه الشریف معترف و بظلالان بهائیت آگاه گشتم. بدینوسیله برائت و انزجار خود را از این حزمه نست نشانده اعلام داشته و امیدوارم- ابر پیروان این مسلک پوشالی فریب تبلیغات سوء مبلغان خود را عینی بر تحریم شرکت آنان در جلسات مذهبی مسلمین نخورده و به عبادت و سعادت واقف موفق گردند.

(علی اکبر عباسی)